

گزینه اشعار اجتماعی - فلسفی

نشر آیدا ۲۰۰۵

واژه ها زیربنای تجسم ذهنیت فردی است که می کوشد تا برای هستی شناسی خود چهارچوبی فراهم آورد و از طریق آنها ، در ابتدا به خود و سپس به خوانندگان بگوید از کدام زاویه به افق وجود می نگرد. زمانیکه این فرد اندیشه خود را از مرحله تجسم فیزیکی گذر داده و بر منطق حسی خود استوار می کند دیگر واژه ها فقط گویای ذهنیت او نبوده و بدنبال انطباق لطیف موضوع با آهنگی خاص هستند که حاصل این یگانگی خلق شعر و شاعرنامه شدن خالق آن خواهد بود. شعر در بهترین حالت خود با لایه های زیرین احساسی خواننده تماس پیدا کرده و به آرامی لایه های دیگر از جمله آگاهی و توان زیبا شناسی او را بدون توجه به ساختار هندسی از پیش تعیین شده ای با خود همراه می سازد. شعر در این همراهی می کوشد موضوعی را در مرکز قرار داده و به دنبال تفسیر و توضیح آن، دامنه ی مشترکات شاعر و خواننده را گسترش دهد. فلسفه و سوسه انگیز ترین موضوعی است که شاعران امروز می کوشند برخلاف فراگیر بودن، پای آن را به شعر باز کرده و دغدغه های خود را از طریق آن بیان کنند و یا به کلام دیگر به شعر خود نگاه فلسفی بخشیده ، طول آن را به عمق تبدیل نمایند. اگرچه این بی پروایی کلامی می تواند زیبا شناسی شعر را گسترش دهد اما، از سوی دیگر می تواند زبان شاعر را سنگین و غیر قابل هضم نموده ، خواننده را خسته و در نهایت شعر را به انزوا بکشاند. گذرا از این پرتگاه کارساده ای نیست حتی اگر شاعران ویژگی داشتن مخاطب هم زبان ، توانایی در حیطه های هنری دیگر و تجربه های زبان شناختی دیگر برخوردار باشد.

ذرات گرم حس دفتر شعری است از شهلا آقاپور، نقاش، مجسمه ساز و شاعر که توسط نشر آیدا به چاپ رسیده است. آقاپور فارغ التحصیل دانشگاه هنرهای برلین بوده، علاوه بر ذرات گرم حس ، دو دفتر شعر دیگر نیز به زبان های فارسی و آلمانی دارد. ذرات گرم حس تلاش و تجربه ای است از این شاعر برای در هم آمیختن انگاره های ذهنی او، گریز از بعد طولی اندیشه و عمق دادن به آن چیزی که همه ما هرروزه به آن می پردازیم. وی در مقدمه این کتاب می نویسد:

" من می خواهم طبیعت ، انسان ، شعر و هنر را در هم ادغام کنم و معنای عمیق فلسفی به آن بدهم. انسان نه تنها خلق شده بلکه خالق خویش هم می باشد. "

یقین چنین مقدمه ی کوتاه و زیبایی نوید بخش تجربه ای به یاد ماندنی برای خواننده خواهد بود اما ، پیش از این باید در بیان برخی واژه ها و بازتاب آن با شاعر به توافق رسید. انسان در طبیعت ادغام شده ، جزء لاینفک آن و نماد پیوستگی فلسفه وجودی آن است. از سوی دیگر شعر خاستگاه تجسم اندیشه در کلام موزون است که در گستره ای بسیط به نام هنر قرار دارد، حال باید از میان اشعار این هنرمند گرامی دریافت چگونه می خواهد اجزای تفکیک نشدنی را بار دیگر با هم ادغام نموده و معنای فلسفی به آنها ببخشد؟ آیا آشنایی با دیگر شاخه های هنر این توان را به وی می دهد تا طول و عمق را با هم تعویض کند؟ آیا بهتر نیست واژه ها را با توان ذاتی آنها پذیرفته، برداشت های چند بعدی را به هنرهای تجسمی دیگر چون نقاشی واگذار نماییم؟

شعر آقاپور حجم هندسی دارد و در بیشتر موارد شکل دایره ای در کلام ایجاد کرده، آن را به خواننده منتقل می کند. شعری مانند افسوس از نقطه الف شروع میشود و بعد از انتقال بار فکری خود و یا به تعبیر شاعر بار فلسفی برگرفته از خالق ، باز به نقطه الف باز می گردد. با هم ابتدا و انتهای شعر افسوس را مرور می کنیم:

" افسوس

ما

ندانسته

بی اعتنا بودیم

**

فریاد های حبس شده

در سکوت را

جواب ندادیم

در این شعر آقاپور از نشدن ها ، به انجام نرسیدن ها، جفا به دیگران ، نادیده انگاشتن زنجیر آدم ها و دنیا می گوید و در نهایت شعر را با تاکید دوباره ی بند نخست ان به انجام می رساند. این نگاه دورانی و تاکید وی شاید به همان تلاش برای عمق بخشیدن در سایه درخشش کلامی بازمی گردد ولی با این حال این تکنیک و استفاده از آن به خواننده این امکان را می دهد تا شاعر را در شعرهای بعدی پیش از آنکه عریان شود دریابد، محدوده تفرج اندیشه او را پیش بینی کند. اگرچه این فرابینی لذت خوانشی ساده را به خواننده می بخشد ولی دانستن آنچه که گوینده در سطر بعدی یا برگ دیگر خواهد گفت چندان با بعد عمقی مورد نظر شاعر هم خوانی ندارد .

زمان و قید های آن نقش کلیدی در شعرهای ذرات گرم حس بازی میکنند. زمان، شب، لحظه، صبح، گردش فلک ، ثانیه ، دقیقه و روز، بارها در ذرات گرم حس تکرار می شوند چنانکه گویی آقاپور می کوشد رهسپاری و ماندگاری احساسات و دیدگاه های خود را در مصدرهای گوناگون زمان ثبت نماید.

" ثانیه ها ، دقیقه ها

مثل برق نور می گذرند

من به دنبال زمان

کشان ، کشان

نفس زنان

دوان ، دوان

می دوم

*

ای کاش می توانستم

زمان را لحظه ای

در شیشه کنم.

زبان شهلا آقاپور ساده است و صمیمی . جدا از معدود شعرهایی که پا به حیطه ی شعارنویسی نهاده اند، بیشترین نوشته ها خطاب به تو یا من هستند. گاه شعری ان چنان کوتاه است که خواننده با شتاب به برگ بعدی می رود و ساده در می یابد که ابتدا و انتهای شعر همان چند کلام بوده و گاه ان چنان از زاویه ای به زاویه دیگر می پیچد که موضوع را به نقطه گذاری ، پاراگراف بندی و ضرب آهنگ ریاضی اعداد شعر واگذار می کند. در ذرات گرم حس با شاعری روبرو هستیم که خود و جامعه شناسی محیط زیست خویش را می شناسد و از پنجره نگاه خود بیرون آمده با خواننده چونان آشنای قدیمی سخن می گوید. چندان به دنبال واژه سازی نیست و کلمات را همانگونه که می ببند و می خواهد رسم می کند. آقاپور را می توان از ان دسته شاعرانی خواند که زبان شعری خود را یافته و می کوشد ان را بسط دهد.

برخلاف مقدمه ، عناوین شعرها از جستجوی شاعر در میان موضوع های روزمره و جاری سخن می گویند. دل انگیزی لحظه های تماشا کردن در قالب سادگی ، بارش شکوفه های سفید در بوسه ، قسمت کردن درد هایمان در شعر زن و دیگر واقعیت های ملموس زندگی در میان عناوین این مجموعه شعر از دید سه بعدی شاعر می گویند. خوانش ذرات گرم حس به راستی گرمی خاصی را برای خواننده به ارمغان می آورد ولی اینکه ایا شاعر توانسته به وعده ی ابتدایی خود ، تبدیل طول به عمق ، موفق باشد سوالی است که باید از تک تک خواننده های این دفتر شعر پرسید و یا اینکه به سراغ دیگر آثار این هنرمند رفته و پاسخ را در انها یافت.

گلاسگو - دسامبر ۲۰۰۵

shahruzb@hotmail.com